



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۸	دوره انتشار	۸	صفحات	۱-۲۳
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

تطبيق آثار شرط وجه التزام در نظام حقوقی ایران و کامن لا

خانم نیلوفر عسگرشاهی و آقای دکتر حمید بذریاچ

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

دانشیار، عضو هیأت علمی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

شرط وجه التزام به عنوان یکی از ابزارهای مهم تضمین اجرای تعهدات قراردادی، در نظام های حقوقی مختلف جایگاه قابل توجهی دارد. در حقوق ایران این نهاد عمدتاً بر پایه ماده ۲۳۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادهای شکل گرفته و به طرفین اجازه می دهد میزان خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن را از پیش تعیین کنند. در مقابل، در نظام حقوقی کامن لا رویکرد متفاوتی نسبت به شروط خسارت از پیش تعیین شده وجود دارد و میان «خسارت تعیین شده واقعی» و «شرط کیفری» تفکیک می شود؛ به گونه ای که شروط تنبیهی معمولاً قابل اجرا شناخته نمی شوند. هدف این پژوهش بررسی و مقایسه آثار شرط وجه التزام در نظام حقوقی ایران و کامن لا و تحلیل کارکردهای آن در تضمین اجرای قراردادهای است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. پرسش اصلی تحقیق آن است که آثار و کارکردهای شرط وجه التزام در حقوق ایران چه تفاوت ها و شباهتهایی با نهاد خسارت از پیش تعیین شده در نظام کامن لا دارد و این تفاوت ها چه تأثیری بر اجرای قراردادهای امنیت حقوقی طرفین می گذارد. نتایج پژوهش نشان می دهد که در حقوق ایران اصل بر اعتبار و الزام آور بودن شرط وجه التزام است و دادگاه اصولاً حق تعدیل آن را ندارد، در حالی که در نظام کامن لا اعتبار چنین شرطی وابسته به جبرانی بودن آن است و در صورت تنبیهی بودن، غیر قابل اجرا تلقی می شود. این تفاوت نشان دهنده رویکرد متفاوت دو نظام در ایجاد تعادل میان آزادی قراردادی و جلوگیری از شروط غیرمنصفانه است.

واژگان کلیدی: شرط وجه التزام، خسارت قراردادی، نظام حقوقی ایران، حقوق کامن لا

طبقه بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



Effects of the condition of the collateral

Abstract

As one of the important means of guaranteeing the implementation of contractual obligations, the condition of commitment has a significant place in different legal systems. In Iranian law, this institution is mainly based on Article ۲۳۰ of the Civil Code and the principle of freedom of contracts, and it allows the parties to pre-determine the amount of damage caused by non-fulfillment of the obligation or delay in it. On the other hand, in the common law legal system, there is a different approach to predetermined damage conditions, and a distinction is made between "actual determined damage" and "criminal condition"; In such a way that punitive clauses are usually not recognized as enforceable. The purpose of this research is to investigate and compare the effects of the obligation clause in Iran's legal system and common law and to analyze its functions in guaranteeing the execution of contracts. The research method is descriptive-analytical. The main question of the research is that what are the differences and similarities between the effects and functions of the obligation clause in Iranian law with the institution of pre-determined damages in the common law system and what effect do these differences have on the execution of contracts and the legal security of the parties. The results of the research show that in Iranian law, the validity and binding nature of the obligation condition is based on the principle that the court does not have the right to adjust it, while in the common law system, the validity of such a condition depends on its compensatory nature, and if it is punitive, it is considered unenforceable. This difference shows the different approach of the two systems in creating a balance between contractual freedom and preventing unfair conditions.

Keywords: Commitment condition, Contractual damages, Iran's legal system, Common law rights



متن مقاله

آن در دادگاه ممکن است مستلزم صرف زمان و هزینه فراوان باشد. تعیین خسارت از پیش در قالب شرط وجه التزام می تواند این مشکلات را کاهش دهد و موجب افزایش کارایی قراردادها شود. از این منظر، شرط وجه التزام نه تنها ابزار جبران خسارت، بلکه وسیله ای برای کاهش هزینه های مبادله و ایجاد اطمینان در روابط اقتصادی محسوب می شود.

در مقابل، در نظام حقوقی کامن لا که در کشورهایی مانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا جریان دارد، رویکرد متفاوتی نسبت به شروط تعیین خسارت از پیش اتخاذ شده است. در این نظام حقوقی میان دو مفهوم «خسارت تعیین شده» و «شرط کیفری» تفکیک قائل می شوند. اگر مبلغ تعیین شده در قرارداد به طور معقولی برآوردی از خسارت احتمالی باشد، دادگاه آن را به عنوان خسارت تعیین شده معتبر می داند. اما اگر هدف از تعیین مبلغ، تنبیه یا فشار بر متعهد باشد، چنین شرطی به عنوان شرط کیفری شناخته شده و معمولاً غیرقابل اجرا تلقی می شود. این رویکرد نشان می دهد که در کامن لا، حمایت از عدالت قراردادی و جلوگیری از شروط تنبیهی اهمیت ویژه ای دارد.

مقایسه این دو نظام حقوقی نشان می دهد که هر یک از آنها میان دو ارزش مهم یعنی آزادی قراردادی و عدالت قراردادی تعادل متفاوتی برقرار کرده اند. در حقوق ایران تأکید بیشتری بر اعتبار توافق طرفین و قطعیت قرارداد وجود دارد، در حالی که در کامن لا نقش دادگاه در ارزیابی منصفانه بودن شرط پررنگ تر است. بررسی تطبیقی این دو رویکرد می تواند به درک بهتر کارکردهای شرط وجه التزام و همچنین شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام حقوقی کمک کند.

از این رو، مطالعه تطبیقی آثار شرط وجه التزام در حقوق ایران و نظام کامن لا نه تنها از نظر نظری اهمیت دارد، بلکه می تواند در بهبود مقررات قراردادی و افزایش کارایی نظام حقوقی نیز مؤثر باشد. این پژوهش تلاش

قراردادها از مهم ترین ابزارهای تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی میان اشخاص به شمار می آیند و نقش اساسی در ایجاد نظم در مبادلات اقتصادی دارند. اجرای صحیح تعهدات ناشی از قرارداد، شرط اساسی تحقق اهداف طرفین و تضمین ثبات روابط حقوقی است. با این حال، در بسیاری از موارد ممکن است یکی از طرفین از اجرای تعهد خود خودداری کند یا اجرای آن را به تأخیر اندازد. در چنین شرایطی، نظام های حقوقی سازوکارهایی را برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد پیش بینی کرده اند. یکی از مهم ترین این سازوکارها، شرط تعیین خسارت از پیش در متن قرارداد است که در حقوق ایران با عنوان «شرط وجه التزام» شناخته می شود.

شرط وجه التزام به این معناست که طرفین قرارداد از پیش توافق می کنند در صورت تخلف از تعهد یا تأخیر در اجرای آن، متخلف مبلغ معینی را به عنوان خسارت بپردازد. این شرط معمولاً با هدف تضمین اجرای تعهدات، کاهش اختلافات احتمالی و جلوگیری از پیچیدگی های اثبات خسارت واقعی در آینده درج می شود. در حقوق ایران، این نهاد عمدتاً بر اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی مورد شناسایی قرار گرفته است. مطابق این ماده، اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت بپردازد، دادگاه نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند. این حکم نشان می دهد که قانونگذار ایرانی به اراده طرفین و اصل آزادی قراردادها اهمیت زیادی داده و توافق آنان را درباره میزان خسارت معتبر دانسته است.

با وجود این، شرط وجه التزام تنها یک نهاد حقوقی ساده نیست، بلکه دارای کارکردهای مهم اقتصادی نیز هست. در روابط اقتصادی پیچیده، پیش بینی میزان دقیق خسارت ناشی از نقض قرارداد دشوار است و اثبات



آنکه تعیین میزان خسارت را به تشخیص دادگاه واگذار کنند، خود از پیش میزان آن را مشخص می‌کنند. این امر باعث می‌شود در صورت بروز تخلف، اختلافی درباره میزان خسارت به وجود نیاید و رسیدگی قضایی نیز ساده‌تر و سریع‌تر انجام شود.

مهم‌ترین مبنای قانونی شرط وجه‌التزام در حقوق ایران ماده ۲۳۰ قانون مدنی است. بر اساس این ماده، اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت بپردازد، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند. مفاد این ماده نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی اصل را بر اعتبار توافق طرفین درباره میزان خسارت قراردادی قرار داده است و دادگاه اصولاً حق تغییر آن را ندارد. در نتیجه، هنگامی که شرط وجه‌التزام در قرارداد درج شده باشد، صرف تحقق تخلف برای مطالبه آن کافی است و دادگاه بر اساس همان مبلغ تعیین‌شده حکم صادر می‌کند. این رویکرد بیانگر تأکید نظام حقوقی ایران بر اصل حاکمیت اراده در روابط قراردادی است.

اصل آزادی قراردادهای که در ماده ۱۰ قانون مدنی بیان شده است نیز نقش مهمی در پذیرش شرط وجه‌التزام دارد. این ماده مقرر می‌دارد که قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند نافذ است، مشروط بر اینکه مخالف صریح قانون نباشد. بر اساس این اصل، طرفین قرارداد می‌توانند در چارچوب قانون شرایط مختلفی را برای روابط قراردادی خود تعیین کنند. شرط وجه‌التزام نیز یکی از مصادیق اعمال این آزادی قراردادی است، زیرا طرفین با اراده خود توافق می‌کنند که در صورت تخلف از تعهد، مبلغ معینی به عنوان خسارت پرداخت شود. در نتیجه، این شرط در صورتی که با قواعد آمره یا نظم عمومی تعارض نداشته باشد معتبر و لازم‌الاجرا خواهد بود.

از نظر ساختار حقوقی، شرط وجه‌التزام معمولاً در قالب شرط فعل تحلیل

می‌کند با بررسی مبانی، آثار و کارکردهای این نهاد در دو نظام حقوقی، تصویری روشن از نحوه برخورد هر یک با مسئله تعیین خسارت قراردادی ارائه دهد و زمینه‌ای برای تحلیل دقیق‌تر کارکردهای اقتصادی آن فراهم آورد.

مفهوم و ماهیت شرط وجه‌التزام در حقوق ایران و کاملاً لا شرط وجه‌التزام یکی از ابزارهای مهم در تنظیم روابط قراردادی است که به وسیله آن طرفین قرارداد میزان خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجرای آن را از پیش تعیین می‌کنند. این نهاد حقوقی در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان وسیله‌ای برای تضمین اجرای تعهدات و جلوگیری از بروز اختلافات بعدی درباره میزان خسارت شناخته شده است. در واقع، طرفین قرارداد با پیش‌بینی چنین شرطی تلاش می‌کنند وضعیت حقوقی خود را در صورت تخلف احتمالی روشن سازند و از پیچیدگی‌های اثبات خسارت در فرآیند دادرسی جلوگیری کنند. در این چارچوب، شرط وجه‌التزام نوعی توافق قراردادی است که به موجب آن متعهد در صورت نقض تعهد یا تأخیر در انجام آن ملزم به پرداخت مبلغی معین به طرف مقابل می‌شود. این توافق معمولاً در ضمن قرارداد اصلی درج می‌شود و از نظر حقوقی به عنوان یکی از شروط ضمن عقد تلقی می‌گردد.

در حقوق ایران، مفهوم وجه‌التزام با مسئولیت قراردادی ارتباط نزدیک دارد. هنگامی که شخصی در قالب قرارداد تعهدی را می‌پذیرد، اصل بر این است که باید آن تعهد را به طور کامل اجرا کند و در صورت تخلف، مسئول جبران خسارت طرف مقابل خواهد بود. قانون مدنی ایران نیز در ماده ۲۲۱ مقرر می‌کند که اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت طرف مقابل خواهد بود. شرط وجه‌التزام در حقیقت نوعی توافق خاص درباره نحوه جبران این خسارت است؛ بدین معنا که طرفین به جای



اصلی از درج چنین شرطی جلوگیری از نقض تعهد است. شرط وجه‌التزام ممکن است به اشکال مختلفی در قراردادها پیش‌بینی شود. در برخی موارد این شرط برای تأخیر در اجرای تعهد تعیین می‌شود. برای مثال ممکن است در قرارداد ذکر شود که در صورت تأخیر در تحویل کالا یا انجام کار، متعهد باید برای هر روز تأخیر مبلغ مشخصی پرداخت کند. در این حالت، تعهد اصلی همچنان باقی است و متعهدله می‌تواند علاوه بر مطالبه وجه‌التزام، اجرای تعهد اصلی را نیز درخواست کند. در موارد دیگر، وجه‌التزام برای عدم اجرای کلی تعهد پیش‌بینی می‌شود. در چنین حالتی، اگر متعهد تعهد خود را انجام ندهد باید مبلغ تعیین‌شده را بپردازد و ممکن است این مبلغ به عنوان بدل از تعهد اصلی در نظر گرفته شود.

در کنار این تحلیل، باید توجه داشت که شرط وجه‌التزام در نظام حقوقی ایران با مفهوم خسارت تأخیر تأدیه نیز تفاوت دارد. خسارت تأخیر تأدیه معمولاً در مورد دیون پولی مطرح می‌شود و قانونگذار در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی شرایط مطالبه آن را بیان کرده است. بر اساس این ماده، در دعوی مربوط به دیون پولی در صورتی که طلبکار طلب خود را مطالبه کرده باشد و بدهکار با وجود تمکن مالی از پرداخت آن خودداری کند، دادگاه می‌تواند خسارت ناشی از کاهش ارزش پول را با توجه به شاخص‌های اعلامی بانک مرکزی محاسبه و حکم به پرداخت آن صادر کند. در حالی که وجه‌التزام مبتنی بر توافق طرفین است و میزان آن از پیش در قرارداد تعیین می‌شود.

در نظام حقوقی کامن‌لا نیز نهادی مشابه با شرط وجه‌التزام وجود دارد که با عنوان خسارت از پیش تعیین‌شده شناخته می‌شود. با این حال، رویکرد این نظام حقوقی نسبت به چنین شروطی با حقوق ایران تفاوت‌هایی دارد. در حقوق کامن‌لا میان دو مفهوم «liquidated damages» و

می‌شود. قانون مدنی در ماده ۲۳۴ انواع شروط ضمن عقد را بیان کرده و یکی از آن‌ها را شرط فعل دانسته است. شرط فعل به این معناست که یکی از طرفین یا شخص ثالث متعهد به انجام یا ترک فعلی می‌شود. در مورد وجه‌التزام، متعهد در صورت تحقق تخلف ملزم می‌شود مبلغی را به عنوان خسارت پرداخت کند و از این جهت می‌توان آن را نوعی تعهد به انجام فعل دانست. بنابراین شرط وجه‌التزام در واقع توافقی است که در قالب شرط فعل در قرارداد گنجانده می‌شود و در صورت تحقق شرایط مقرر، اجرای آن الزامی خواهد بود.

در تحلیل ماهیت حقوقی شرط وجه‌التزام، دیدگاه‌های مختلفی در میان حقوقدانان مطرح شده است. برخی آن را صرفاً نوعی خسارت از پیش تعیین‌شده می‌دانند. بر اساس این دیدگاه، طرفین قرارداد با پیش‌بینی این شرط میزان خسارت احتمالی ناشی از نقض قرارداد را برآورد کرده و همان مبلغ را به عنوان معیار جبران خسارت تعیین می‌کنند. در نتیجه، در صورت تحقق تخلف نیازی به اثبات میزان واقعی خسارت وجود ندارد و متعهدله می‌تواند مبلغ تعیین‌شده را مطالبه کند. این تحلیل با کارکرد عملی این نهاد که تسهیل مطالبه خسارت و کاهش اختلافات قضایی است هماهنگ است.

در مقابل، برخی دیگر معتقدند که شرط وجه‌التزام تنها یک ابزار جبرانی نیست بلکه نوعی ضمانت اجرای قراردادی نیز محسوب می‌شود. تعیین مبلغی به عنوان وجه‌التزام می‌تواند متعهد را از نقض قرارداد بازدارد و او را به اجرای تعهد ترغیب کند. به بیان دیگر، این شرط علاوه بر آنکه وسیله‌ای برای جبران خسارت است، کارکردی بازدارنده نیز دارد. به همین دلیل برخی از نویسندگان ماهیت آن را ترکیبی از خسارت قراردادی و ضمانت اجرای تعهد می‌دانند. در عمل نیز همین تحلیل ترکیبی بیشتر با واقعیت روابط قراردادی سازگار است، زیرا در بسیاری از قراردادها هدف



متفاوت دو نظام حقوقی در تعادل میان آزادی قراردادی و مداخله دادگاه در تنظیم روابط قراردادی است.

مبانی قانونی و فقهی شرط وجه التزام در حقوق ایران
شرط وجه التزام در حقوق ایران بر مبانی قانونی و فقهی استواری استوار است که مشروعیت و اعتبار آن را تضمین می کند. این نهاد در واقع تجلی اصل حاکمیت اراده در چهارچوب قواعد الزام آور قراردادهاست و از یک سو بر پایه آزادی قراردادی و از سوی دیگر بر اساس قواعد فقهی وفای به عهد و لزوم احترام به شروط ضمن عقد توجیه می شود.

نخستین مبنای قانونی شرط وجه التزام، اصل آزادی قراردادهاست که در ماده ۱۰ قانون مدنی تصریح شده است: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است» (ماده ۱۰ قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷). بر اساس این اصل، اشخاص می توانند در چارچوب قانون، آثار و ضمانت اجراهای مورد نظر خود را در قرارداد پیش بینی کنند. شرط وجه التزام نمونه بارز چنین توافقی است؛ زیرا طرفین با اراده خود تعیین می کنند که در صورت تخلف، مبلغ معینی به عنوان خسارت پرداخت شود.

اصل لزوم قراردادهای نیز در ماده ۲۱۹ قانون مدنی مقرر شده است: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» (ماده ۲۱۹ قانون مدنی). شرط وجه التزام که در ضمن عقد درج می شود، بخشی از مفاد عقد است و به تبع اصل لزوم، الزام آور خواهد بود.

مبنای خاص و مستقیم این نهاد در ماده ۲۳۰ قانون مدنی آمده است که مقرر می دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند» (ماده ۲۳۰ قانون مدنی).

«penalty clause» تمایز قائل می شوند. خسارت تعیین شده زمانی معتبر است که مبلغ تعیین شده در قرارداد برآوردی معقول از خسارت احتمالی ناشی از نقض قرارداد باشد. اما اگر مبلغ تعیین شده به گونه ای باشد که هدف اصلی آن تنبیه متخلف باشد، دادگاه آن را به عنوان شرط کیفری تلقی کرده و از اجرای آن خودداری می کند.

این رویکرد نشان می دهد که در نظام کامن لا دادگاه ها نقش فعالی در بررسی ماهیت شرط دارند و می توانند در صورت غیرمنصفانه بودن آن از اجرای شرط جلوگیری کنند. در واقع، هدف از این رویکرد جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت قراردادی و حمایت از عدالت قراردادی است. در حالی که در حقوق ایران اصل بر اعتبار توافق طرفین است و دادگاه اصولاً حق تغییر مبلغ تعیین شده را ندارد. بنابراین، تفاوت اصلی میان دو نظام حقوقی در میزان دخالت دادگاه در ارزیابی شروط قراردادی است.

با وجود این تفاوت ها، در هر دو نظام حقوقی هدف اصلی از پیش بینی چنین شروطی ایجاد اطمینان در روابط قراردادی و کاهش اختلافات احتمالی است. تعیین خسارت از پیش باعث می شود طرفین قرارداد از پیامدهای نقض تعهد آگاه باشند و بتوانند ریسک های قراردادی خود را بهتر مدیریت کنند. علاوه بر این، چنین شروطی موجب کاهش هزینه های دادرسی و جلوگیری از پیچیدگی های اثبات خسارت در دادگاه می شود.

در نهایت می توان گفت که شرط وجه التزام در حقوق ایران نهادی قراردادی است که به طرفین اجازه می دهد آثار مالی نقض تعهد را از پیش تعیین کنند. این نهاد بر پایه اصولی مانند آزادی قراردادهای و لزوم قراردادهای استوار است و قانون مدنی ایران نیز با پذیرش آن در ماده ۲۳۰ جایگاه مهمی برای آن در نظام حقوقی کشور ایجاد کرده است. در مقابل، در نظام کامن لا اگرچه نهادی مشابه وجود دارد، اما اعتبار آن به شرط جبرانی بودن و عدم تنبیهی بودن آن وابسته است. این تفاوت نشان دهنده رویکرد



در کنار این مبانی قانونی، ریشه‌های فقهی شرط وجه‌التزام نیز بسیار مهم است. مهم‌ترین مستند فقهی آن قاعده «المؤمنون عند شروطهم» است که بر اساس روایت معتبر از پیامبر اسلام (ص) نقل شده و فقهای امامیه آن را مبنای لزوم وفای به شرط دانسته‌اند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۲۰ از ابواب المهور، حدیث ۴). بر اساس این قاعده، هر شرطی که مخالف کتاب و سنت نباشد، لازم‌الوفا است. فقهای متأخر امامیه نیز با استناد به همین قاعده، اصل صحت و لزوم شروط ضمن عقد را پذیرفته‌اند. قاعده فقهی دیگری که مبنای نظری این نهاد محسوب می‌شود، قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» است که مستند آن حدیث نبوی معروف است (حر عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، باب ۱۲ از ابواب احیاء موات، حدیث ۳). فقها از این قاعده برای اثبات لزوم جبران خسارت و نفی احکام زیان‌بار استفاده کرده‌اند. شرط وجه‌التزام را می‌توان ابزاری دانست که از ورود ضرر جلوگیری کرده یا جبران آن را تسهیل می‌کند.

همچنین اصل «وفوا بالعقود» که مستند آن آیه نخست سوره مائده است، از مهم‌ترین مبانی فقهی لزوم قراردادهاست. فقهای امامیه این آیه را دلالت بر وجوب التزام به مفاد قرارداد دانسته‌اند. از آنجا که شرط وجه‌التزام بخشی از مفاد عقد است، وفای به آن نیز مشمول همین اصل خواهد بود. بنابراین، مبانی قانونی شرط وجه‌التزام در مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۴ و ۲۳۷ قانون مدنی و ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی متبلور شده است و مبانی فقهی آن در قواعد «المؤمنون عند شروطهم»، «لاضرر» و اصل «وفوا بالعقود» ریشه دارد. پیوند این مبانی سبب شده است که شرط وجه‌التزام در نظام حقوقی ایران جایگاهی مستحکم و پذیرفته‌شده داشته باشد و به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تضمین اجرای تعهدات قراردادی مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی حقوقی خسارت از پیش تعیین‌شده در نظام کامن‌لا

این ماده نه تنها اصل اعتبار شرط وجه‌التزام را تأیید می‌کند، بلکه اختیار دادگاه در تعدیل مبلغ توافق‌شده را نیز نفی می‌کند. بنابراین، اراده طرفین در تعیین میزان خسارت بر ارزیابی قضایی مقدم دانسته شده است. از منظر مسئولیت قراردادی، ماده ۲۲۱ قانون مدنی مقرر می‌کند: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است...» (ماده ۲۲۱ قانون مدنی). شرط وجه‌التزام در واقع مصداق «تصریح به جبران خسارت» در همین ماده است؛ زیرا میزان خسارت به صورت قراردادی مشخص شده است.

از حیث ساختار شروط ضمن عقد، ماده ۲۳۴ قانون مدنی شروط را به سه قسم تقسیم می‌کند و شرط فعل را یکی از آن‌ها می‌داند (ماده ۲۳۴ قانون مدنی). شرط وجه‌التزام معمولاً در قالب شرط فعل تحلیل می‌شود، زیرا متعهد در صورت تحقق تخلف ملزم به انجام فعل معینی یعنی پرداخت مبلغی مشخص است. همچنین ماده ۲۳۷ قانون مدنی ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل را بیان کرده است (ماده ۲۳۷ قانون مدنی) که نشان‌دهنده جایگاه حقوقی شروط ضمن عقد در نظام قانون مدنی است. در زمینه تعهدات پولی نیز ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات بعدی مقرر می‌دارد در دعاوی مربوط به دیون پولی، در صورت مطالبه طلبکار و تمکن مدیون و امتناع از پرداخت، دادگاه می‌تواند خسارت ناشی از تغییر شاخص قیمت سالانه را بر اساس شاخص اعلامی بانک مرکزی محاسبه نماید (ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی). این ماده بیانگر پذیرش سازوکار قانونی جبران کاهش ارزش پول است و تمایز آن با وجه‌التزام قراردادی اهمیت دارد؛ زیرا وجه‌التزام مبتنی بر توافق خصوصی است، در حالی که خسارت تأخیر تأدیه مبتنی بر حکم قانون است.



به گونه‌ای نامتناسب و خارج از چارچوب منافع مشروع طرف ذی‌نفع باشد، می‌تواند غیرقابل اجرا تلقی شود. این رویکرد جدید نشان می‌دهد که کامن‌لا به جای تمرکز صرف بر محاسبه خسارت، به کارکرد اقتصادی و تجاری شرط نیز توجه می‌کند.

مبنای نظری این محدودیت را باید در ماهیت جبرانی مسئولیت قراردادی در کامن‌لا جست‌وجو کرد. در این نظام حقوقی، برخلاف برخی حوزه‌های حقوق عمومی، قرارداد ابزار مجازات نیست. دادگاه‌ها به‌طور سنتی از اجرای شروطی که متضمن مجازات خصوصی باشند خودداری می‌کنند، زیرا چنین امری با فلسفه جبران خسارت در تعارض است در نتیجه، خسارت از پیش تعیین‌شده زمانی معتبر است که در راستای جبران خسارت مورد انتظار قرار گیرد، نه ایجاد فشار تنبیهی بر متعهد.

از منظر کارکردی، خسارت از پیش تعیین‌شده مزایای قابل توجهی دارد. نخست آنکه موجب افزایش قطعیت قراردادی می‌شود. طرفین با پیش‌بینی مبلغ مشخص، ریسک ناشی از نقض تعهد را مدیریت می‌کنند و از اختلافات گسترده درباره میزان خسارت می‌کاهند. دوم آنکه این نهاد هزینه‌های اثبات خسارت را کاهش می‌دهد، زیرا در بسیاری از موارد، اثبات دقیق زیان‌های ناشی از نقض قرارداد پیچیده و پرهزینه است به همین دلیل، حقوق کامن‌لا در عین کنترل شروط تنبیهی، اصل امکان تعیین خسارت از پیش را به رسمیت شناخته است.

در مقایسه با این رویکرد، حقوق ایران در ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد که اگر در ضمن معامله شرط شده باشد در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند. بسیاری از حقوقدانان ایرانی این ماده را بیانگر اعتبار گسترده شرط وجه‌التزام دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۵). کاتوزیان تصریح می‌کند که هدف از پذیرش این نهاد،

در نظام کامن‌لا، خسارت ناشی از نقض قرارداد اصولاً ماهیتی جبرانی دارد و هدف آن اعاده زیان‌دیده به وضعیتی است که اگر قرارداد به‌درستی اجرا می‌شد در آن قرار می‌گرفت. از همین رو، هرگونه شرط قراردادی که به موجب آن مبلغی در صورت نقض تعهد پیش‌بینی می‌شود، باید در چارچوب همین کارکرد جبرانی تحلیل گردد. اگر مبلغ مقرر، برآوردی معقول و صادقانه از خسارت احتمالی باشد، به عنوان «خسارت از پیش تعیین‌شده» معتبر تلقی می‌شود؛ اما اگر هدف اصلی آن تنبیه متعهد متخلف باشد، دادگاه آن را «شرط جزایی» دانسته و از اجرای آن خودداری می‌کند.

تمایز میان خسارت از پیش تعیین‌شده و شرط جزایی، از مهم‌ترین مباحث حقوق قراردادهای کامن‌لا است. رأی مشهور (۱۹۱۵ Dunlop Pneumatic Tyre Co Ltd v New Garage & Motor Co Ltd) نقطه عطفی در تبیین این تمایز به شمار می‌آید. لرد دانیدن در این پرونده بیان کرد که اگر مبلغ تعیین‌شده در قرارداد به نحو آشکار و فاحش نامتناسب با خسارت قابل پیش‌بینی باشد، باید آن را شرط جزایی دانست؛ اما اگر در زمان انعقاد قرارداد، خسارت احتمالی قابل برآورد دقیق نبوده و طرفین با حسن‌نیت مبلغی را به عنوان تخمین منطقی تعیین کرده باشند، چنین شرطی معتبر خواهد بود این معیار نشان می‌دهد که ارزیابی دادگاه ناظر به زمان انعقاد قرارداد است، نه زمان وقوع نقض.

(Poole, ۲۰۲۰: ۵۸)

تحول مهم دیگر در این حوزه، رأی دیوان عالی بریتانیا در پرونده (۲۰۱۵ Cavendish Square Holding BV v Makdessi) است. در این رأی، دادگاه اعلام کرد که ملاک اصلی، صرف تناسب ریاضی میان مبلغ شرط و خسارت احتمالی نیست، بلکه باید بررسی شود آیا شرط مزبور از «منافع مشروع تجاری» حمایت می‌کند یا خیر. اگر شرط



اساس ماده ۲۳۰ قانون مدنی به اجرای مطلق تر شرط وجه التزام گرایش دارد، بیانگر نظارت قضایی گسترده تر و حساسیت بیشتر نسبت به جنبه تنبیهی شروط قراردادی است.

شرایط صحت و اعتبار شرط وجه التزام در دو نظام حقوقی

شرط وجه التزام یکی از مهم ترین ابزارهای تضمین اجرای تعهدات در قراردادهاست که در بسیاری از نظام های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است. در حقوق ایران این نهاد در قالب شرط ضمن عقد و با عنوان «وجه التزام» شناخته می شود و مبنای قانونی آن در درجه نخست ماده ۲۳۰ قانون مدنی است. در نظام کامن لا نیز نهادی مشابه تحت عنوان «خسارت از پیش تعیین شده» وجود دارد که در صورت رعایت شرایط خاصی معتبر شناخته می شود. بررسی شرایط صحت و اعتبار این شرط در دو نظام حقوقی نشان می دهد که هرچند هدف اصلی در هر دو، تضمین اجرای تعهدات و تسهیل جبران خسارت است، اما معیارهای اعتبار آن تفاوت هایی دارد.

در حقوق ایران، نخستین شرط صحت وجه التزام، اعتبار خود قرارداد اصلی است. زیرا وجه التزام معمولاً به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد گنجانده می شود و تابع قواعد عمومی قراردادهاست. بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی، برای صحت هر معامله وجود قصد و رضا، اهلیت طرفین، معین بودن موضوع معامله و مشروع بودن جهت معامله ضروری است. بنابراین اگر قرارداد اصلی به علت فقدان یکی از این شرایط باطل باشد، شرط وجه التزام نیز به تبع آن بی اعتبار خواهد بود. بسیاری از حقوقدانان ایرانی بر تبعیت شرط از عقد اصلی تأکید کرده اند. کاتوزیان بیان می کند که شرط وجه التزام از نظر ماهیت یک تعهد تبعی است که وجود آن وابسته به اعتبار قرارداد اصلی است و با بطلان عقد، شرط نیز از بین می رود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۳).

تحکیم قرارداد و جلوگیری از اختلاف در تعیین میزان خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۲). شهیدی نیز شرط وجه التزام را وسیله ای برای تضمین اجرای تعهد می داند که آثار آن از مسئولیت قراردادی عادی متمایز است (شهیدی، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

تفاوت اساسی آن است که در حقوق ایران، دادگاه اصولاً حق تعدیل مبلغ وجه التزام را ندارد، در حالی که در کامن لا دادگاه نقش فعال تری در ارزیابی مشروعیت شرط ایفا می کند. به بیان دیگر، در کامن لا اصل بر نظارت قضایی بر تناسب و مشروعیت شرط است، ولی در حقوق ایران اصل بر لزوم اجرای توافق طرفین است، مگر آنکه شرط خلاف قانون یا نظم عمومی باشد. این تفاوت را می توان ناشی از تفاوت در مبنای نظری دو نظام دانست: در کامن لا تأکید بر جبران خسارت واقعی است، در حالی که در حقوق ایران علاوه بر جبران، عنصر تضمین و فشار بر متعهد برای اجرای تعهد نیز نقش پررنگی دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۴۳).

از منظر تحلیلی، می توان گفت که خسارت از پیش تعیین شده در کامن لا بر سه پایه استوار است: اصل آزادی قراردادی، کارکرد جبرانی مسئولیت قراردادی و منع مجازات خصوصی. آزادی قراردادی اجازه می دهد طرفین درباره میزان خسارت توافق کنند؛ کارکرد جبرانی اقتضا می کند که مبلغ تعیین شده معقول و متناسب باشد؛ و منع مجازات خصوصی موجب می شود شروط تنبیهی غیرقابل اجرا شناخته شوند. رأی **Makdessi** نشان می دهد که معیار «منافع مشروع» نیز به این مبانی افزوده شده و تحلیل دادگاه را پیچیده تر کرده است.

در نتیجه، خسارت از پیش تعیین شده در کامن لا نهادی است که میان دو ارزش تعادل برقرار می کند: از یک سو احترام به اراده طرفین و کارآمدی اقتصادی قرارداد، و از سوی دیگر حفظ ماهیت جبرانی مسئولیت قراردادی و جلوگیری از سوءاستفاده. این رویکرد در مقایسه با حقوق ایران که بر



موضوعی برای مطالبه وجه التزام وجود نخواهد داشت. همچنین در مواردی که عدم اجرای تعهد ناشی از قوه قاهره باشد، بسیاری از حقوقدانان معتقدند مطالبه وجه التزام ممکن نیست، زیرا مسئولیت قراردادی اصولاً مبتنی بر تقصیر مفروض متعهد است. کاتوزیان در این زمینه معتقد است که در صورت تحقق قوه قاهره، تعهد اصلی ساقط می‌شود و به تبع آن شرط وجه التزام نیز قابل اجرا نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۸۱).

در مقابل، در نظام حقوقی کامن‌لا نیز اعتبار خسارت از پیش تعیین‌شده تابع شرایط خاصی است. مهم‌ترین شرط در این نظام آن است که مبلغ تعیین‌شده باید برآوردی معقول از خسارت احتمالی باشد. اگر دادگاه تشخیص دهد که مبلغ تعیین‌شده صرفاً برای تنبیه متعهد تعیین شده است، آن را «شرط جزایی» تلقی کرده و از اجرای آن خودداری می‌کند. این اصل یکی از قواعد سنتی حقوق قراردادهای کامن‌لا به شمار می‌آید. مک‌کندریک در تحلیل این موضوع بیان می‌کند که دادگاه‌های کامن‌لا میان خسارت از پیش تعیین‌شده و شرط جزایی تمایز قائل می‌شوند و تنها نوع نخست را قابل اجرا می‌دانند

(McKendrick, ۲۰۱۹: ۲۳)

یکی از مهم‌ترین آرای قضایی که معیار تشخیص این دو را مشخص کرده، رأی معروف *Dunlop Pneumatic Tyre Co Ltd v New Garage & Motor Co Ltd* در سال ۱۹۱۵ است. در این پرونده، لرد دانیدن اعلام کرد که اگر مبلغ تعیین‌شده در قرارداد به طور فاحش بیش از خسارت قابل پیش‌بینی باشد، احتمالاً شرط جزایی محسوب می‌شود؛ اما اگر در زمان انعقاد قرارداد، خسارت واقعی قابل برآورد دقیق نبوده و طرفین مبلغی را به عنوان تخمین منطقی تعیین کرده باشند، چنین شرطی معتبر خواهد بود (Poole, ۲۰۲۰: ۳۵۸).

علاوه بر این، در حقوق معاصر کامن‌لا معیارهای جدیدتری نیز مطرح شده

شرط دوم آن است که وجه التزام باید به صورت صریح و روشن در قرارداد پیش‌بینی شود. به بیان دیگر، دادگاه نمی‌تواند رأساً مبلغی را به عنوان وجه التزام تعیین کند، بلکه این مبلغ باید ناشی از توافق طرفین باشد. ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر می‌کند که اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت بپردازد، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه مقرر شده است محکوم کند. این ماده نشان می‌دهد که شرط وجه التزام زمانی معتبر است که به صورت قراردادی تعیین شده باشد. شهیدی نیز در تحلیل این ماده بیان می‌کند که تعیین میزان خسارت باید نتیجه توافق طرفین باشد و دادگاه تنها مجری اراده قراردادی آنان است

از دیگر شرایط اعتبار وجه التزام در حقوق ایران آن است که شرط مزبور نباید مخالف قوانین آمره، نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد. این شرط از ماده ۱۰ قانون مدنی که اصل آزادی قراردادهای را بیان می‌کند استنباط می‌شود. مطابق این ماده، قراردادهای خصوصی در صورتی نافذ هستند که مخالف صریح قانون نباشند. بنابراین اگر شرط وجه التزام به گونه‌ای باشد که با قواعد آمره تعارض پیدا کند، دادگاه می‌تواند آن را بی اعتبار اعلام کند. برای مثال اگر مبلغ وجه التزام به گونه‌ای تعیین شود که در عمل وسیله‌ای برای دور زدن قوانین آمره باشد، اعتبار آن مورد تردید قرار می‌گیرد. صفایی و رحیمی در این زمینه بیان می‌کنند که هرچند ماده ۲۳۰ قانون مدنی اصل اجرای وجه التزام را پذیرفته است، اما این شرط نیز مانند سایر شروط قراردادی تابع محدودیت‌های نظم عمومی و قواعد آمره است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۴۶).

یکی دیگر از شرایط مورد بحث در حقوق ایران، امکان وقوع تخلف از تعهد است. به عبارت دیگر، وجه التزام زمانی قابل مطالبه است که نقض تعهد واقع شده باشد. اگر متعهد تعهد خود را به طور کامل اجرا کند، اساساً



شناخته شده و اجرا نمی‌شود. بنابراین شرط اساسی اعتبار خسارت از پیش تعیین شده در کامن‌لا، تناسب آن با خسارت احتمالی و ارتباط آن با منافع مشروع قراردادی است. به همین دلیل می‌توان گفت که در کامن‌لا اصل بر جلوگیری از مجازات خصوصی میان طرفین قرارداد است.

در مجموع، هر دو نظام حقوقی امکان تعیین خسارت قراردادی از پیش را به رسمیت شناخته‌اند، اما مبنای اعتبار آن متفاوت است. در حقوق ایران تأکید اصلی بر اصل آزادی قراردادهای و لزوم اجرای توافق طرفین است، در حالی که در کامن‌لا تأکید بر ماهیت جبرانی خسارت و جلوگیری از شروط تنبیهی قرار دارد. همین تفاوت مبنایی باعث شده است که شرایط اعتبار و حدود اجرای این نهاد در دو نظام حقوقی تا حدی متفاوت باشد و مطالعه تطبیقی آن برای تحلیل دقیق‌تر حقوق قراردادهای اهمیت ویژه‌ای پیدا کند.

تمایز میان شرط وجه‌التزام و شرط کیفری در حقوق ایران و کامن‌لا تمایز میان شرط وجه‌التزام و شرط کیفری از مباحث بنیادی در حقوق قراردادهایست که هم در نظام حقوقی ایران و هم در کامن‌لا اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا به مرز میان جبران خسارت و مجازات خصوصی مربوط می‌شود. هرچند در ظاهر هر دو نهاد به پرداخت مبلغی در صورت نقض تعهد می‌انجامند، اما از حیث مبنا، کارکرد، قلمرو اجرا و نظارت قضایی تفاوت‌های اساسی دارند.

در حقوق ایران، شرط وجه‌التزام نهادی قراردادی است که به موجب آن طرفین پیشاپیش میزان خسارت ناشی از تخلف از تعهد را تعیین می‌کنند. مستند اصلی این نهاد ماده ۲۳۰ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد در صورت توافق بر پرداخت مبلغی به عنوان خسارت، دادگاه نمی‌تواند متخلف را به بیشتر یا کمتر از آن محکوم کند. بسیاری از حقوقدانان این ماده را بیانگر پذیرش کامل وجه‌التزام در نظام حقوقی ایران دانسته‌اند. امامی تصریح می‌کند که وجه‌التزام نوعی توافق بر تعیین خسارت است که با

است. در رأی *Cavendish Square Holding BV v Makdessi* که در سال ۲۰۱۵ توسط دیوان عالی بریتانیا صادر شد، دادگاه اعلام کرد که معیار اصلی آن است که آیا شرط مورد نظر از «منافع مشروع تجاری» طرف ذی‌نفع حمایت می‌کند یا خیر. اگر شرط به گونه‌ای نامتناسب و خارج از چارچوب این منافع باشد، ممکن است به عنوان شرط جزایی شناخته شود و غیرقابل اجرا تلقی گردد. این رأی نشان‌دهنده تحول در نگرش کامن‌لا نسبت به شروط قراردادی و توجه بیشتر به کارکرد اقتصادی آنهاست.

شرط دیگر در کامن‌لا آن است که مبلغ خسارت باید در زمان انعقاد قرارداد تعیین یا قابل تعیین باشد. این شرط باعث می‌شود طرفین از همان ابتدا نسبت به پیامدهای نقض قرارداد آگاهی داشته باشند. همچنین این امر موجب کاهش اختلافات درباره میزان خسارت می‌شود. پول در کتاب حقوق قراردادهای توضیح می‌دهد که یکی از اهداف مهم خسارت از پیش تعیین شده، کاهش هزینه‌های اثبات خسارت در دادگاه است، زیرا در بسیاری از قراردادهای پیچیده تعیین میزان دقیق خسارت پس از نقض قرارداد دشوار است (Poole, ۲۰۲۰: ۳۶۱).

مقایسه شرایط صحت این نهاد در دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که در حقوق ایران اصل بر احترام به اراده طرفین و اجرای مبلغ توافق شده است. ماده ۲۳۰ قانون مدنی حتی تصریح می‌کند که دادگاه نمی‌تواند مبلغ وجه‌التزام را تغییر دهد. به همین دلیل برخی نویسندگان معتقدند که حقوق ایران نسبت به شروط قراردادی رویکرد انعطاف‌پذیرتری دارد و حتی در مواردی که مبلغ وجه‌التزام تا حدی جنبه تنبیهی پیدا می‌کند نیز ممکن است آن را معتبر بدانند (شهیدی، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

در مقابل، در کامن‌لا دادگاه‌ها نظارت بیشتری بر شروط قراردادی اعمال می‌کنند. اگر شرط مزبور جنبه تنبیهی داشته باشد، به عنوان شرط جزایی



در کامن‌لا، تمایز میان **Penalty Clause** و **Liquidated Damages** یکی از اصول ریشه‌دار حقوق قراردادهاست. دادگاه‌های این نظام از قرن نوزدهم به بعد شرط کیفری را غیرقابل اجرا دانسته‌اند، زیرا آن را مغایر با ماهیت جبرانی مسئولیت قراردادی تلقی می‌کنند. در رأی کلاسیک (Dunlop v New Garage ۱۹۱۵) معیارهایی برای تشخیص شرط کیفری ارائه شد. از جمله اینکه اگر مبلغ تعیین شده به‌طور فاحش بیش از خسارت قابل پیش‌بینی باشد، یا اگر هدف آن ایجاد تهدید برای اجرای تعهد باشد، احتمالاً شرط کیفری محسوب می‌شود. این معیارها نشان می‌دهد که در کامن‌لا، قصد تنبیه نقش تعیین‌کننده در بی‌اعتباری شرط دارد.

تحول مهم در این زمینه با رأی دیوان عالی بریتانیا در پرونده (۲۰۱۵) **Cavendish v Makdessi** رخ داد. دادگاه اعلام کرد که معیار صرف تناسب عددی کافی نیست، بلکه باید بررسی شود آیا شرط مورد نظر از «منافع مشروع» طرف ذی‌نفع حمایت می‌کند یا خیر. اگر شرط فراتر از آنچه برای حمایت از این منافع لازم است باشد، به عنوان **penalty** شناخته می‌شود و اجرا نخواهد شد بدین ترتیب، در کامن‌لا شرط کیفری به طور اصولی باطل یا غیرقابل اجراست، حتی اگر طرفین آزادانه بر آن توافق کرده باشند.

از حیث مبنای نظری، در حقوق ایران تأکید بر اصل حاکمیت اراده و لزوم وفای به عهد است. ماده ۲۱۹ قانون مدنی مقرر می‌کند که عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنان لازم‌الاتباع است. این اصل موجب شده که وجه التزام حتی در صورت سنگین بودن مبلغ، غالباً معتبر شناخته شود. در حالی که در کامن‌لا، اصل آزادی قراردادهای با محدودیت مهمی مواجه است و آن منع مجازات خصوصی است. چنان‌که پول توضیح می‌دهد، هدف مسئولیت قراردادی در کامن‌لا جبران است نه

وقوع تخلف، بدون نیاز به اثبات میزان ضرر، قابل مطالبه خواهد بود (امامی، ۱۳۷۱: ۳۴۶). این تحلیل نشان می‌دهد که وجه التزام در حقوق ایران در اصل ماهیتی جبرانی دارد، هرچند کارکرد تضمینی آن نیز پررنگ است. در مقابل، اصطلاح «شرط کیفری» در حقوق ایران بیشتر مفهومی تحلیلی است تا اصطلاحی مصرح در قانون مدنی. منظور از شرط کیفری، شرطی است که هدف اصلی آن تنبیه متعهد و تحمیل فشار مضاعف بر اوست، نه جبران خسارت واقعی. برخی نویسندگان با الهام از حقوق تطبیقی، میان وجه التزام جبرانی و شرط کیفری تنبیهی تفکیک قائل شده‌اند. جعفری لنگرودی در تعریف وجه التزام آن را خسارتی می‌داند که میزان آن پیشاپیش تعیین شده و جنبه جبرانی دارد، نه مجازاتی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۸۴). از این دیدگاه، اگر شرطی صرفاً برای ارباب یا مجازات متعهد باشد و ارتباط معقولی با خسارت احتمالی نداشته باشد، می‌توان آن را شرط کیفری نامید.

با این حال، تفاوت مهم حقوق ایران با کامن‌لا در آن است که قانون مدنی ایران به صراحت مکانیزمی برای بی‌اعتبار دانستن شرط کیفری پیش‌بینی نکرده است. بر اساس ظاهر ماده ۲۳۰، دادگاه حق تعدیل یا بی‌اعتبار کردن مبلغ توافق شده را ندارد. با وجود این، برخی حقوقدانان با استناد به قواعد عمومی مانند منع سوءاستفاده از حق و لزوم رعایت نظم عمومی، امکان کنترل شروط غیرمنصفانه را پذیرفته‌اند. کاتوزیان اشاره می‌کند که هرچند اصل بر اجرای شرط است، اما اگر شرط به گونه‌ای باشد که با عدالت قراردادی و نظم عمومی منافات پیدا کند، نمی‌توان آن را بدون قید و شرط معتبر دانست (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۶۱). بنابراین در حقوق ایران تمایز نظری میان وجه التزام و شرط کیفری پذیرفته شده، ولی ضمانت اجرای صریح و منسجمی برای ابطال شرط کیفری مشابه کامن‌لا وجود ندارد.



غیرقابل اجراست. تفاوت یادشده بازتابی از دو رویکرد متفاوت به فلسفه مسئولیت قراردادی است: در حقوق ایران تأکید بر تضمین اجرای تعهد و حاکمیت اراده، و در کامن‌لا تأکید بر جبران خسارت و منع تنبیه قراردادی. همین تفاوت مبنایی، چهره عملی این دو نهاد را در دو نظام حقوقی متمایز ساخته است.

آثار حقوقی شرط وجه‌التزام در اجرای تعهدات قراردادی شرط وجه‌التزام یکی از مهم‌ترین ابزارهای تضمین اجرای تعهدات قراردادی در حقوق خصوصی است که نقش قابل توجهی در تحکیم قراردادها و کاهش اختلافات ناشی از نقض تعهد ایفا می‌کند. طرفین قرارداد می‌توانند هنگام انعقاد عقد، مبلغی را به عنوان خسارت احتمالی ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجرای آن تعیین کنند تا در صورت تخلف، متعهد مکلف به پرداخت آن باشد. در حقوق ایران، مبنای قانونی این نهاد در ماده ۲۳۰ قانون مدنی پیش‌بینی شده است و رویه حقوقی نیز آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین ضمانت‌اجراهای قراردادی پذیرفته است. بررسی آثار حقوقی شرط وجه‌التزام در اجرای تعهدات قراردادی نشان می‌دهد که این نهاد آثار متعددی در حوزه مسئولیت قراردادی، اثبات خسارت، اجرای تعهد و نقش دادگاه دارد.

یکی از مهم‌ترین آثار شرط وجه‌التزام آن است که نیاز به اثبات میزان خسارت را از میان می‌برد. در حالت عادی، زمانی که یکی از طرفین قرارداد از اجرای تعهد خودداری کند، طرف دیگر برای مطالبه خسارت باید ورود ضرر و میزان آن را در دادگاه اثبات کند. این امر در بسیاری از موارد دشوار و مستلزم ارائه دلایل و کارشناسی است. اما در صورت وجود شرط وجه‌التزام، طرفین از پیش میزان خسارت را تعیین کرده‌اند و بنابراین متعهدله برای مطالبه آن نیازی به اثبات میزان خسارت ندارد. دکتر شمس

تنبیه، و به همین دلیل دادگاه‌ها از اجرای شروط تنبیهی خودداری می‌کنند

از حیث آثار عملی نیز تمایز میان وجه‌التزام و شرط کیفری در دو نظام متفاوت است. در حقوق ایران، اگر شرطی تحت عنوان وجه‌التزام درج شود، اصل بر صحت آن است و متعهدله برای مطالبه آن نیاز به اثبات ورود خسارت ندارد. به علاوه، امکان جمع وجه‌التزام با الزام به اجرای تعهد اصلی در برخی موارد پذیرفته شده است، مگر آنکه از مفاد قرارداد خلاف آن برآید (صفایی، ۱۴۰۰: ۳۱۲). اما در کامن‌لا، اگر شرطی به عنوان penalty تشخیص داده شود، به طور کلی غیرقابل اجراست و زیان‌دیده باید خسارت واقعی خود را اثبات کند. بدین ترتیب، تشخیص ماهیت شرط در کامن‌لا اهمیت اساسی دارد.

نکته مهم دیگر آن است که در حقوق ایران، حتی اگر مبلغ وجه‌التزام از خسارت واقعی بیشتر باشد، دادگاه به استناد ماده ۲۳۰ اصولاً حق کاهش آن را ندارد، مگر در موارد خاصی که قوانین خاص پیش‌بینی کرده‌اند. در حالی که در کامن‌لا، تناسب شرط با خسارت یا با منافع مشروع تجاری معیار اصلی اعتبار آن است. به تعبیر مک‌کندریک، شرطی که کارکرد تنبیهی داشته باشد «مغایر با سیاست حقوقی منع مجازات خصوصی» است

(McKendrick, ۲۰۲۳: ۹۲)

در جمع‌بندی می‌توان گفت که در حقوق ایران، تمایز میان شرط وجه‌التزام و شرط کیفری بیشتر جنبه نظری دارد و قانون‌گذار به طور صریح شرط کیفری را باطل اعلام نکرده است؛ بلکه اصل بر اجرای توافق طرفین است، مگر آنکه شرط با نظم عمومی یا قواعد آمره تعارض داشته باشد. در مقابل، در کامن‌لا این تمایز دارای آثار عملی قاطع است: خسارت از پیش تعیین‌شده معتبر و قابل اجراست، اما شرط کیفری اصولاً باطل یا



یکی از مسائل مهم در این زمینه آن است که آیا متعهدله می تواند هم اجرای تعهد اصلی و هم وجه التزام را مطالبه کند یا باید میان آن دو یکی را انتخاب نماید. پاسخ این سؤال تا حد زیادی به مفاد قرارداد بستگی دارد. در مواردی که وجه التزام برای عدم اجرای تعهد تعیین شده باشد، معمولاً با تحقق تخلف، تعهد اصلی ساقط شده و تنها وجه التزام قابل مطالبه است. اما اگر وجه التزام برای تأخیر در اجرای تعهد پیش بینی شده باشد، متعهدله می تواند هم اجرای تعهد اصلی و هم خسارت تأخیر را مطالبه کند. در این زمینه، دکتر کمالی معتقد است که وجه التزام تأخیر ماهیتی متفاوت از وجه التزام عدم اجرا دارد و معمولاً مانع مطالبه اجرای تعهد اصلی نمی شود. از آثار دیگر شرط وجه التزام، تأثیر آن بر قلمرو مسئولیت قراردادی است. زمانی که طرفین مبلغ مشخصی را به عنوان خسارت تعیین می کنند، واقع دامنه مسئولیت ناشی از نقض قرارداد را مشخص می سازند. در چنین حالتی، متعهدله معمولاً نمی تواند خسارتی بیش از مبلغ تعیین شده مطالبه کند، حتی اگر خسارت واقعی او بیشتر باشد. این موضوع به نوعی محدودکننده مسئولیت قراردادی است. اسکینی در این خصوص بیان می کند که شرط وجه التزام در عمل می تواند نقش تعیین سقف مسئولیت قراردادی را ایفا کند و از افزایش نامحدود مسئولیت متعهد جلوگیری نماید.

اثر دیگر این شرط، کاهش اختلافات و افزایش قطعیت در روابط قراردادی است. در بسیاری از قراردادها، اختلافات ناشی از تعیین میزان خسارت است. زمانی که طرفین از ابتدا مبلغ مشخصی را تعیین می کنند، بخشی مهمی از این اختلافات از میان می رود. به همین دلیل، در قراردادهای تجاری و پیمانکاری استفاده از شرط وجه التزام بسیار رایج است. برخی پژوهشگران حقوقی معتقدند که این شرط به افزایش امنیت حقوقی و پیش بینی پذیری روابط قراردادی کمک می کند. برای مثال، موسوی در

در تحلیل این موضوع بیان می کند که وجه التزام در واقع نوعی توافق بر میزان خسارت است که اثبات ضرر را از دوش متعهدله برمی دارد و رسیدگی قضایی را ساده تر می کند (شمس، ۱۳۹۶: ۲۴۱). به همین دلیل، شرط وجه التزام در عمل موجب تسریع در رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض قرارداد می شود.

اثر مهم دیگر شرط وجه التزام، تقویت ضمانت اجرای قرارداد و ایجاد فشار حقوقی برای اجرای تعهد است. زمانی که متعهد می داند در صورت نقض تعهد باید مبلغ معینی بپردازد، انگیزه بیشتری برای اجرای قرارداد خواهد داشت. به همین دلیل، بسیاری از حقوقدانان وجه التزام را علاوه بر جبران خسارت، وسیله ای برای تضمین اجرای تعهد می دانند. بیات در این زمینه بیان می کند که شرط وجه التزام نقش بازدارنده دارد و از طریق ایجاد تعهد مالی اضافی، متعهد را به اجرای دقیق تعهد وادار می کند (بیات، ۱۳۹۵: ۱۸۷). در واقع، کارکرد عملی این شرط فراتر از جبران خسارت است و نوعی ضمانت اجرای قراردادی محسوب می شود.

از آثار مهم دیگر شرط وجه التزام در اجرای تعهدات قراردادی آن است که دادگاه اصولاً نمی تواند میزان آن را تغییر دهد. همان گونه که ماده ۲۳۰ قانون مدنی تصریح می کند، در صورتی که طرفین مبلغی را به عنوان خسارت تعیین کرده باشند، حاکم نمی تواند متخلف را به بیشتر یا کمتر از آنچه تعیین شده محکوم کند. این حکم نشان دهنده احترام قانون گذار به اصل حاکمیت اراده در روابط قراردادی است. رهپیک در توضیح این ماده بیان می کند که فلسفه این حکم آن است که دادگاه نباید جایگزین اراده طرفین شود، زیرا آنان با آگاهی از شرایط قرارداد، میزان خسارت را تعیین کرده اند (رهپیک، ۱۳۹۴: ۲۶۹). بنابراین در حقوق ایران اصل بر لزوم اجرای مبلغ تعیین شده است.

اثر دیگر شرط وجه التزام مربوط به رابطه آن با اجرای تعهد اصلی است.



کارآمدی نظام حقوق قراردادهای ایفا می‌کند. به همین دلیل، در عمل یکی از پرکاربردترین شروط در قراردادهای خصوصی به شمار می‌آید و قانون‌گذار نیز با پذیرش آن در ماده ۲۳۰ قانون مدنی، جایگاه مهمی برای آن در نظام حقوقی ایران قائل شده است.

حدود اختیار دادگاه در تعدیل یا بی‌اعتبار شناختن شرط وجه‌التزام یکی از مسائل مهم در تحلیل شرط وجه‌التزام در حقوق قراردادهای، حدود اختیار دادگاه در تعدیل یا بی‌اعتبار شناختن این شرط است. شرط وجه‌التزام به عنوان توافق طرفین درباره میزان خسارت ناشی از نقض تعهد، اصولاً بر پایه اصل حاکمیت اراده استوار است و به همین دلیل قانون‌گذار در بسیاری از موارد به اراده طرفین احترام گذاشته است. با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا دادگاه در مواجهه با شرط وجه‌التزام می‌تواند آن را کاهش دهد، افزایش دهد یا در مواردی آن را بی‌اعتبار اعلام کند.

در حقوق ایران، مهم‌ترین مبنای قانونی این موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی است. بر اساس این ماده: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم کند.» ظاهر این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار اختیار دادگاه را در تغییر میزان وجه‌التزام محدود کرده است و دادگاه باید همان مبلغی را که طرفین تعیین کرده‌اند مورد حکم قرار دهد. بسیاری از حقوقدانان این ماده را بیانگر اصل لزوم اجرای شرط وجه‌التزام دانسته‌اند. کاتوزیان در تحلیل این ماده بیان می‌کند که هدف قانون‌گذار احترام به اراده طرفین و جلوگیری از مداخله دادگاه در توافق خصوصی آنان است؛ بنابراین دادگاه اصولاً حق تعدیل وجه‌التزام را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۸).

بر همین اساس، در رویه غالب حقوقی ایران، دادگاه‌ها زمانی که شرط

بررسی کاربرد وجه‌التزام در قراردادهای تجاری اشاره می‌کند که تعیین خسارت از پیش، موجب کاهش ریسک قراردادی و تسهیل اجرای تعهدات می‌شود (موسوی، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

از منظر دادرسی نیز شرط وجه‌التزام آثار مهمی دارد. زمانی که چنین شرطی در قرارداد وجود دارد، دادگاه در رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت، به جای بررسی دقیق میزان ضرر، تنها باید تحقق تخلف از تعهد را احراز کند. به عبارت دیگر، اثبات نقض قرارداد برای مطالبه وجه‌التزام کافی است. این امر موجب تسهیل رسیدگی قضایی و کاهش پیچیدگی دعوی قراردادی می‌شود. برخی نویسندگان این ویژگی را یکی از مهم‌ترین مزایای عملی وجه‌التزام دانسته‌اند. به گفته حسینی‌نژاد، شرط وجه‌التزام باعث می‌شود تمرکز دعاوا از اثبات میزان خسارت به اثبات تخلف از تعهد منتقل شود و این امر فرآیند رسیدگی را ساده‌تر می‌کند (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

در نهایت باید توجه داشت که اجرای وجه‌التزام نیز مانند سایر تعهدات قراردادی تابع قواعد عمومی مسئولیت قراردادی است. بنابراین برای مطالبه آن، تحقق تخلف از تعهد ضروری است و در مواردی مانند قوه قاهره که اجرای تعهد غیرممکن می‌شود، مسئولیت متعهد ممکن است منتفی گردد. در چنین شرایطی، وجه‌التزام نیز قابل مطالبه نخواهد بود. برخی نویسندگان با استناد به قواعد عمومی مسئولیت قراردادی این نتیجه را پذیرفته‌اند که تحقق قوه قاهره می‌تواند مانع اجرای شرط وجه‌التزام شود (توکلی، ۱۴۰۰: ۱۸۲).

در مجموع می‌توان گفت شرط وجه‌التزام آثار حقوقی مهمی در اجرای تعهدات قراردادی دارد. این شرط با حذف ضرورت اثبات میزان خسارت، تقویت ضمانت اجرای قرارداد، تعیین حدود مسئولیت قراردادی، تسهیل رسیدگی قضایی و افزایش قطعیت در روابط قراردادی نقش مهمی در



لنگرودی اشاره می‌کند که اگر وجه‌التزام به گونه‌ای تعیین شود که از هدف جبران خسارت فاصله بگیرد و ماهیت تنبیهی پیدا کند، امکان بررسی اعتبار آن از دیدگاه نظم عمومی وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۱۲۹).

مسئله مهم دیگر، تأثیر قوانین خاص و مقررات جدید بر اختیار دادگاه در تعدیل وجه‌التزام است. در برخی قوانین خاص، امکان تعدیل خسارت پیش‌بینی شده است. برای نمونه، در برخی مقررات مرتبط با قراردادهای بانکی یا مقررات پولی و بانکی، رویه قضایی در مواردی امکان تعدیل خسارت تأخیر را پذیرفته است. در این زمینه برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند که هرچند ماده ۲۳۰ قانون مدنی اصل عدم تعدیل را بیان می‌کند، اما در چارچوب قوانین خاص یا قواعد عمومی عدالت قراردادی می‌توان امکان مداخله محدود دادگاه را پذیرفت.

از سوی دیگر، در مواردی که تعهد اصلی به علت قوه قاهره یا عوامل خارج از اراده متعهد اجرا نشود، بحث درباره اجرای شرط وجه‌التزام مطرح می‌شود. بسیاری از حقوقدانان معتقدند که در چنین حالتی متعهد مسئولیتی ندارد و در نتیجه وجه‌التزام نیز قابل مطالبه نخواهد بود. دکتر کاتوزیان در این باره بیان می‌کند که چون مسئولیت قراردادی در این فرض از بین می‌رود، تعهد تبعی ناشی از وجه‌التزام نیز قابل اجرا نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۳۹).

علاوه بر این، در برخی موارد ممکن است اساساً شرط وجه‌التزام به علت فقدان شرایط اساسی صحت معاملات باطل باشد. بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی، وجود قصد و رضا، اهلیت طرفین، معین بودن موضوع معامله و مشروع بودن جهت معامله برای صحت هر معامله ضروری است. اگر شرط وجه‌التزام فاقد یکی از این شرایط باشد، دادگاه می‌تواند آن را بی‌اعتبار اعلام کند. برای مثال، اگر مبلغ وجه‌التزام به صورت مبهم تعیین

وجه‌التزام در قرارداد پیش‌بینی شده باشد، تنها باید تحقق تخلف از تعهد را احراز کنند و پس از آن متعهد را به پرداخت همان مبلغ محکوم نمایند. در چنین وضعی، متعهدله نیازی به اثبات میزان خسارت ندارد و دادگاه نیز نمی‌تواند با استناد به زیاد یا کم بودن مبلغ، آن را تغییر دهد. دکتر شهیدی در این زمینه بیان می‌کند که ماده ۲۳۰ قانون مدنی در واقع نوعی «تعیین قراردادی خسارت» را پذیرفته است و دادگاه تنها وظیفه اجرای توافق طرفین را دارد (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

با وجود این، برخی نویسندگان معتقدند که اختیار دادگاه در این زمینه کاملاً منتفی نیست و در شرایط خاصی می‌توان از طریق قواعد عمومی حقوقی شرط وجه‌التزام را کنترل کرد. یکی از این موارد زمانی است که شرط مزبور مخالف نظم عمومی یا قواعد آمره باشد. مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی در صورتی نافذ هستند که مخالف صریح قانون نباشند. بنابراین اگر شرط وجه‌التزام به گونه‌ای تنظیم شود که با قوانین آمره یا نظم عمومی تعارض پیدا کند، دادگاه می‌تواند آن را بی‌اعتبار بداند. صفایی در این خصوص معتقد است که شرط وجه‌التزام نیز مانند هر شرط قراردادی دیگر تابع محدودیت‌های نظم عمومی است و در صورت تعارض با این اصول، دادگاه می‌تواند از اجرای آن خودداری کند (صفایی، ۱۳۹۷: ۲۸۴).

از موارد دیگر که ممکن است دادگاه شرط وجه‌التزام را بی‌اعتبار اعلام کند، زمانی است که شرط مزبور به صورت صوری یا برای دور زدن قانون تنظیم شده باشد. برای مثال، ممکن است طرفین قراردادی مبلغی بسیار سنگین را به عنوان وجه‌التزام تعیین کنند تا در عمل نوعی مجازات یا وسیله فشار غیرمستعارف بر متعهد ایجاد کنند. در چنین مواردی برخی حقوقدانان معتقدند که دادگاه می‌تواند با استناد به اصل منع سوءاستفاده از حق یا قاعده عدالت قراردادی، شرط را غیرقابل اجرا بداند. جعفری



صرف زمان و هزینه فراوان است. در چنین شرایطی، طرفین با تعیین مبلغی مشخص به عنوان خسارت قراردادی، از بروز اختلاف درباره میزان خسارت جلوگیری می‌کنند. کاتوزیان در تحلیل این موضوع بیان می‌کند که وجه التزام نوعی توافق قبلی درباره خسارت است که رسیدگی قضایی را ساده کرده و از پیچیدگی‌های اثبات ضرر می‌کاهد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۷۶). در حقوق ایران نیز ماده ۲۳۰ قانون مدنی با پذیرش این توافق، عملاً امکان تعیین خسارت از پیش را به رسمیت شناخته است. این امر از نظر اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش کارایی قراردادهای می‌شود.

کارکرد اقتصادی مهم دیگر شرط وجه التزام افزایش قابلیت پیش‌بینی در روابط قراردادی است. در فعالیت‌های اقتصادی، پیش‌بینی‌پذیری یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری طرفین است. زمانی که میزان خسارت احتمالی از پیش مشخص باشد، طرفین می‌توانند با آگاهی بیشتری درباره پذیرش تعهدات یا سرمایه‌گذاری در قرارداد تصمیم بگیرند. شهیدی در این خصوص اشاره می‌کند که تعیین خسارت قراردادی موجب شفافیت روابط حقوقی و کاهش عدم قطعیت در اجرای قراردادهای می‌شود (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۶۰). این ویژگی در قراردادهای تجاری و پیمانکاری اهمیت بیشتری دارد، زیرا تأخیر یا عدم اجرای تعهد می‌تواند آثار اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

از منظر اقتصادی، شرط وجه التزام همچنین نقش بازدارنده و انگیزشی در اجرای تعهدات دارد. هنگامی که متعهد بداند در صورت نقض تعهد باید مبلغ معینی بپردازد، احتمال تخلف از قرارداد کاهش می‌یابد. این ویژگی باعث می‌شود که قراردادهای با اطمینان بیشتری اجرا شوند و کارایی اقتصادی آن‌ها افزایش یابد. صفایی در این زمینه بیان می‌کند که وجه التزام علاوه بر جبران خسارت، کارکرد تضمینی دارد و از طریق ایجاد

شده باشد یا شرط بر مبنای اکراه یا اشتباه اساسی درج شده باشد، امکان ابطال آن وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت که در حقوق ایران اصل بر محدود بودن اختیار دادگاه در تعدیل شرط وجه التزام است و دادگاه نمی‌تواند مبلغ تعیین‌شده توسط طرفین را کاهش یا افزایش دهد. این قاعده ناشی از احترام به اصل حاکمیت اراده و لزوم وفای به عهد است که در مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، اختیار دادگاه در بی‌اعتبار شناختن شرط در مواردی مانند مخالفت با نظم عمومی، تعارض با قوانین آمره، فقدان شرایط اساسی صحت معامله یا سوءاستفاده از حق همچنان وجود دارد. بنابراین هرچند ماده ۲۳۰ قانون مدنی دامنه مداخله دادگاه را محدود کرده است، اما قواعد عمومی حقوقی همچنان امکان کنترل مشروعیت شرط وجه التزام را فراهم می‌کند.

کارکردهای اقتصادی شرط وجه التزام در قراردادهای دو نظام حقوقی شرط وجه التزام در قراردادهای علاوه بر کارکرد حقوقی، دارای کارکردهای مهم اقتصادی نیز هست و همین ویژگی سبب شده است که این نهاد در نظام‌های مختلف حقوقی، از جمله حقوق ایران و نظام‌های کامن‌لا، جایگاه مهمی در تنظیم روابط قراردادی داشته باشد. از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق، قراردادهای ابزار تخصیص بهینه منابع و کاهش عدم قطعیت در روابط اقتصادی هستند و شرط وجه التزام یکی از سازوکارهایی است که به تحقق این اهداف کمک می‌کند. در هر دو نظام حقوقی، این شرط به طرفین امکان می‌دهد که ریسک‌های ناشی از نقض تعهد را مدیریت کرده و هزینه‌های ناشی از اختلافات قراردادی را کاهش دهند.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی شرط وجه التزام کاهش هزینه‌های مبادله و هزینه‌های دادرسی است. در بسیاری از قراردادهای، تعیین دقیق خسارت ناشی از نقض تعهد دشوار است و اثبات آن در دادگاه مستلزم



خسارت از پیش در عمل همان اهداف اقتصادی را دنبال می‌کند؛ یعنی کاهش هزینه‌های اثبات خسارت، افزایش کارایی قراردادهای و تقویت ثبات معاملات.

کارکرد اقتصادی دیگر شرط وجه‌التزام تسهیل اجرای قراردادهای در روابط تجاری پیچیده است. در بسیاری از قراردادهای بزرگ اقتصادی، مانند قراردادهای پیمانکاری، حمل‌ونقل یا قراردادهای بین‌المللی، تعیین خسارت واقعی در زمان نقض تعهد ممکن است بسیار دشوار باشد. به همین دلیل، تعیین خسارت از پیش به عنوان یک راهکار عملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی نویسندگان معتقدند که این نهاد باعث افزایش کارایی اقتصادی نظام قراردادهای می‌شود، زیرا طرفین می‌توانند بدون نگرانی از پیچیدگی‌های دادرسی، قراردادهای پیچیده‌تری منعقد کنند (ره‌پیک، ۱۳۹۴: ۲۷۱).

در نهایت، شرط وجه‌التزام نقش مهمی در افزایش امنیت حقوقی و ثبات معاملات اقتصادی دارد. زمانی که قواعد جبران خسارت روشن و قابل پیش‌بینی باشد، فعالان اقتصادی با اطمینان بیشتری وارد روابط قراردادی می‌شوند. جعفری لنگرودی در این زمینه بیان می‌کند که تعیین خسارت قراردادی یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد قطعیت در روابط حقوقی و جلوگیری از اختلافات گسترده درباره میزان خسارت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۱).

بررسی شرط وجه‌التزام در حقوق ایران و نظام‌های کامن‌لا نشان می‌دهد که این نهاد علاوه بر نقش حقوقی، دارای کارکردهای اقتصادی مهمی است. کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش پیش‌بینی‌پذیری قراردادهای، ایجاد انگیزه برای اجرای تعهد، مدیریت ریسک قراردادی و افزایش امنیت حقوقی از مهم‌ترین آثار اقتصادی این شرط محسوب می‌شوند. به همین دلیل، شرط وجه‌التزام در عمل به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تنظیم روابط

فشار اقتصادی بر متعهد، او را به اجرای تعهد ترغیب می‌کند (صفایی، ۱۳۹۷: ۲۸۷). در نتیجه، این شرط می‌تواند از بروز بسیاری از اختلافات قراردادی جلوگیری کند.

کارکرد اقتصادی دیگر شرط وجه‌التزام توزیع و مدیریت ریسک قراردادی است. در بسیاری از قراردادهای، طرفین با عدم قطعیت‌هایی مانند تغییر شرایط اقتصادی، تأخیر در اجرا یا افزایش هزینه‌ها مواجه هستند. شرط وجه‌التزام به طرفین اجازه می‌دهد که ریسک ناشی از نقض تعهد را به صورت قراردادی میان خود تقسیم کنند. در واقع، تعیین مبلغ خسارت از پیش به معنای تعیین سقف مسئولیت متعهد است. اسکینی در این خصوص معتقد است که شرط وجه‌التزام می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در محدود کردن دامنه مسئولیت قراردادی و مدیریت ریسک اقتصادی قرارداد داشته باشد (اسکینی، ۱۳۹۷: ۳۹۶). این امر به ویژه در قراردادهای تجاری بلندمدت اهمیت زیادی دارد.

در نظام‌های کامن‌لا نیز کارکرد اقتصادی شرط خسارت از پیش تعیین‌شده مورد توجه قرار گرفته است. هرچند در این نظام حقوقی شرط کیفری به طور کلی غیرقابل اجرا تلقی می‌شود، اما شروطی که برآورد معقولی از خسارت احتمالی باشند معتبر شناخته می‌شوند. هدف از پذیرش این نهاد نیز در درجه نخست تسهیل روابط اقتصادی و کاهش هزینه‌های ناشی از اختلافات قراردادی است. در این نظام، دادگاه‌ها تلاش می‌کنند میان آزادی قراردادی و جلوگیری از شروط تنبیهی نامتناسب تعادل برقرار کنند.

از منظر اقتصادی، این رویکرد سبب می‌شود که شروط خسارت قراردادی تنها در صورتی معتبر باشند که با منافع مشروع تجاری طرفین تناسب داشته باشند. در حقوق ایران اگرچه ماده ۲۳۰ قانون مدنی به طور صریح امکان تعدیل مبلغ را پیش‌بینی نکرده است، اما پذیرش اصل تعیین



جبران مالی زیان، راهکار متعارف نقض قرارداد است و اجرای عین تعهد تنها در مواردی که خسارت پولی کافی نباشد (مانند قراردادهای مربوط به اموال منحصربه‌فرد) اعطا می‌شود این تفاوت نشان می‌دهد که در کامن‌لا تمرکز بر جبران اقتصادی زیان است، نه الزام حتمی به اجرای تعهد.

در حوزه خسارات قراردادی نیز تفاوت مهمی میان دو نظام دیده می‌شود. در حقوق ایران، مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ قانون مدنی مبنای مسئولیت قراردادی را تقصیر مفروض متعهد می‌دانند، مگر آنکه ثابت کند عدم انجام تعهد ناشی از علت خارجی بوده است. شهادی بیان می‌کند که مسئولیت قراردادی در حقوق ایران مبتنی بر نقض تعهد است و اصل بر مسئولیت متعهد است، مگر اثبات قوه قاهره (شهادی، ۱۳۸۶: ۲۳۴). در کامن‌لا نیز مسئولیت قراردادی غالباً عینی تلقی می‌شود و صرف نقض تعهد برای ایجاد مسئولیت کافی است، مگر آنکه شرط یا دفاع خاصی وجود داشته باشد.

در خصوص قابلیت پیش‌بینی خسارت، در کامن‌لا اصل محدودیت خسارت به زیان‌های قابل پیش‌بینی حاکم است که ریشه در رأی معروف (۱۸۵۴ *Hadley v Baxendale*) دارد. مطابق این قاعده، تنها خساراتی قابل مطالبه‌اند که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده باشند. مک‌کندریک این اصل را یکی از ارکان اساسی نظام جبران خسارت در کامن‌لا می‌داند در حقوق ایران، هرچند قانون مدنی تصریحی مشابه ندارد، اما برخی نویسندگان از جمله کاتوزیان با استناد به قاعده لاضرر و تحلیل منطقی مسئولیت قراردادی، قائل به ضرورت وجود رابطه سببیت و قابل انتساب بودن خسارت هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۴۹).

در زمینه شرط وجه‌التزام و خسارت از پیش تعیین‌شده نیز تفاوت مهمی وجود دارد. در حقوق ایران، ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد که در

قراردادی در نظام‌های حقوقی مختلف تبدیل شده است.

مقایسه تطبیقی رویکرد حقوق ایران و کامن‌لا در ضمانت اجرای نقض قراردادها

مقایسه تطبیقی ضمانت اجرای نقض قرارداد در حقوق ایران و نظام کامن‌لا نشان می‌دهد که هرچند هر دو نظام بر اصل لزوم وفای به عهد تأکید دارند، اما در نوع ضمانت اجرا، میزان مداخله دادگاه و جایگاه خسارت قراردادی تفاوت‌های بنیادین مشاهده می‌شود. در حقوق ایران، مبنای اصلی الزام به اجرای قرارداد ماده ۲۱۹ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنان لازم‌الاتباع است. این حکم در کنار ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل آزادی قراردادها) و ماده ۲۲۰ (آثار عرفی و قانونی قرارداد) چارچوب کلی ضمانت اجرای نقض تعهد را مشخص می‌کند. در مقابل، در کامن‌لا، اصل «sanctity of contract» و قاعده جبران خسارت قراردادی هسته اصلی ضمانت اجرا را تشکیل می‌دهد.

در حقوق ایران، نخستین و مهم‌ترین ضمانت اجرا در صورت نقض قرارداد، الزام به اجرای عین تعهد است. بر اساس مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ قانون مدنی، در صورت تخلف متعهد از انجام تعهد، متعهدله می‌تواند اجبار او را از دادگاه بخواهد، مگر آنکه اجبار ممکن نباشد. کاتوزیان در تحلیل این مواد بیان می‌کند که در نظام حقوقی ایران، اصل بر اجرای عین تعهد است و خسارت بدل از اجرا زمانی مطرح می‌شود که اجرای مستقیم تعهد ممکن نباشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۶۷). این رویکرد با سنت حقوق مدنی همسو است که اجرای عین تعهد را مهم‌ترین ضمانت اجرا می‌داند.

در مقابل، در نظام کامن‌لا، خسارت پولی ضمانت اجرای اصلی نقض قرارداد است و اجرای عین تعهد استثنایی و مبتنی بر صلاحدید دادگاه است. مک‌کندریک توضیح می‌دهد که در حقوق انگلیس، اصل بر آن است که



حمایت از ثبات قراردادهای، تضمین اعتماد مشروع طرفین و تأمین عدالت قراردادی در چارچوب قواعد حقوقی.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی شرط وجه‌التزام در نظام حقوقی ایران و نهاد خسارت از پیش تعیین‌شده در نظام کامن‌لا نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی در اصل به ضرورت پیش‌بینی سازوکاری برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد توجه داشته‌اند، اما در نحوه تنظیم و اجرای این سازوکار رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. این تفاوت‌ها ریشه در مبانی نظری و ساختارهای حقوقی هر یک از این نظام‌ها دارد و آثار مهمی بر نحوه اجرای قراردادهای و میزان امنیت حقوقی طرفین می‌گذارد.

در حقوق ایران، شرط وجه‌التزام به عنوان یکی از شروط معتبر قراردادی پذیرفته شده و قانون مدنی به‌ویژه در ماده ۲۳۰ جایگاه مشخصی برای آن در نظر گرفته است. بر اساس این ماده، هرگاه طرفین در ضمن قرارداد توافق کنند که در صورت تخلف از تعهد، متخلف مبلغی را به عنوان خسارت بپردازد، دادگاه نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن مبلغ محکوم کند. این حکم نشان‌دهنده اهمیت اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی در نظام حقوقی ایران است. به عبارت دیگر، قانونگذار با پذیرش چنین شرطی تلاش کرده است به توافق طرفین احترام بگذارد و از مداخله گسترده دادگاه در مفاد قرارداد جلوگیری کند.

یکی از مهم‌ترین آثار این رویکرد، ایجاد قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری در روابط قراردادی است. هنگامی که طرفین از ابتدا میزان خسارت احتمالی

صورت تعیین خسارت قراردادی، دادگاه نمی‌تواند متخلف را به بیشتر یا کمتر از آنچه مقرر شده محکوم کند. بسیاری از نویسندگان این حکم را نشانه احترام قانون‌گذار به حاکمیت اراده می‌دانند (صفایی، ۱۳۹۷: ۲۸۵). در مقابل، در کامن‌لا، تمایز میان Liquidated Damages و Penalty Clause اهمیت اساسی دارد. شرطی که جنبه تنبیهی داشته باشد و با منافع مشروع طرفین تناسب نداشته باشد، غیرقابل اجراست. رأی دیوان عالی بریتانیا در پرونده Cavendish Square Holding (۲۰۱۵) BV v Makdessi معیار «تناسب با منافع مشروع» را تثبیت کرد. استون و دونی اشاره می‌کنند که این تحول، انعطاف بیشتری در ارزیابی شروط خسارت قراردادی ایجاد کرده است.

از نظر حق فسخ نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در حقوق ایران، خيارات قانونی (مواد ۳۹۶ به بعد قانون مدنی) و همچنین شرط خيار از مهم‌ترین ابزارهای انحلال قرارداد هستند. جعفری لنگرودی خيار را یکی از مهم‌ترین ضمانت اجرای نقض تعهد در نظام حقوقی ایران می‌داند که به زیان‌دیده امکان برهم‌زدن قرارداد را می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۴۵). در کامن‌لا، حق وابسته به ماهیت شرط نقض‌شده است و نقض اساسی می‌تواند به طرف زیان‌دیده حق خاتمه قرارداد را بدهد.

(Poole, ۲۰۲۰: ۱۱)

در مجموع، می‌توان گفت که حقوق ایران با تأکید بر اجرای عین تعهد، جایگاه پررنگ‌تری برای الزام مستقیم به اجرا قائل است، در حالی که در کامن‌لا جبران مالی زیان نقش اصلی را دارد. در زمینه شرط خسارت قراردادی نیز، حقوق ایران رویکردی سخت‌گیرانه در لزوم اجرای مبلغ تعیین‌شده اتخاذ کرده است، در حالی که کامن‌لا با تفکیک میان خسارت جبرانی و شرط تنبیهی، نظارت فعال‌تری بر محتوای شرط دارد. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو نظام در نهایت هدف مشترکی را دنبال می‌کنند:



مزیت اصلی این رویکرد آن است که از درج شروط غیرمنصفانه یا تنبیهی در قراردادهای جلوگیری می‌کند و مانع سوءاستفاده از قدرت قراردادی می‌شود. با این حال، این نظام نیز با انتقادهایی روبه‌روست؛ زیرا تشخیص اینکه یک شرط واقعاً جبرانی است یا تنبیهی، همواره ساده نیست و ممکن است موجب عدم قطعیت در اجرای قراردادها شود. به عبارت دیگر، مداخله دادگاه در ارزیابی ماهیت شرط می‌تواند پیش‌بینی‌پذیری روابط قراردادی را کاهش دهد.

مقایسه این دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که هر یک از آنها میان دو هدف مهم یعنی حفظ آزادی قراردادی و تضمین عدالت قراردادی تعادل متفاوتی برقرار کرده‌اند. در حقوق ایران تأکید بیشتری بر اراده طرفین و قطعیت قرارداد وجود دارد، در حالی که در کامن‌لا توجه بیشتری به جلوگیری از شروط تنبیهی و حفظ انصاف قراردادی دیده می‌شود. هر یک از این رویکردها مزایا و محدودیت‌های خاص خود را دارند و انتخاب میان آنها تا حد زیادی به سیاست‌های حقوقی و اقتصادی هر نظام بستگی دارد. در مجموع می‌توان گفت که شرط وجه‌التزام در حقوق ایران ابزاری کارآمد برای تضمین اجرای تعهدات و کاهش اختلافات قراردادی محسوب می‌شود، اما برای افزایش کارایی و عدالت در اجرای آن، ممکن است نیاز به اصلاحات محدود قانونی یا توسعه رویه قضایی وجود داشته باشد. مطالعه تطبیقی با نظام کامن‌لا نشان می‌دهد که ترکیبی متعادل از احترام به اراده طرفین و امکان مداخله محدود دادگاه در موارد استثنایی می‌تواند به ایجاد نظامی کارآمدتر و منصفانه‌تر در حوزه خسارت‌های قراردادی منجر شود. چنین رویکردی می‌تواند ضمن حفظ امنیت حقوقی قراردادها، از بروز نتایج غیرعادلانه نیز جلوگیری کند و کارکرد اقتصادی قراردادها را تقویت نماید.

را تعیین می‌کنند، در صورت بروز اختلاف نیازی به اثبات دقیق میزان خسارت واقعی وجود ندارد و دادگاه می‌تواند بر اساس توافق طرفین حکم صادر کند. این امر موجب کاهش هزینه‌های دادرسی، تسریع در حل و فصل اختلافات و افزایش کارایی اقتصادی قراردادها می‌شود. از این رو، شرط وجه‌التزام در حقوق ایران نه تنها یک ابزار حقوقی برای جبران خسارت است، بلکه نقش مهمی در تسهیل روابط اقتصادی و تجاری نیز ایفا می‌کند.

با این حال، رویکرد حقوق ایران با برخی چالش‌ها نیز مواجه است. مهم‌ترین چالش، عدم پیش‌بینی صریح اختیار تعدیل شرط وجه‌التزام توسط دادگاه است. در مواردی ممکن است مبلغ تعیین‌شده در قرارداد بسیار بیشتر یا بسیار کمتر از خسارت واقعی باشد، اما با توجه به اطلاق ماده ۲۳۰، دادگاه اصولاً نمی‌تواند آن را تعدیل کند. این وضعیت ممکن است در برخی موارد به نتایج غیرمنصفانه منجر شود، به‌ویژه زمانی که میان قدرت چانه‌زنی طرفین قرارداد عدم تعادل وجود داشته باشد. به همین دلیل، برخی حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که قانونگذار امکان مداخله محدود دادگاه برای تعدیل شروط غیرمتعارف را پیش‌بینی کند.

در مقابل، نظام حقوقی کامن‌لا رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده است. در این نظام، دادگاه‌ها میان خسارت تعیین‌شده واقعی و شرط کیفری تمایز قائل می‌شوند. اگر مبلغ تعیین‌شده در قرارداد برآوردی معقول از خسارت احتمالی باشد، شرط معتبر شناخته می‌شود؛ اما اگر هدف از تعیین آن تنبیه متعهد یا اعمال فشار بر او باشد، دادگاه آن را به عنوان شرط کیفری تلقی کرده و از اجرای آن خودداری می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که در کامن‌لا، عدالت قراردادی و جلوگیری از شروط تنبیهی اهمیت ویژه‌ای دارد و دادگاه‌ها نقش فعال‌تری در ارزیابی منصفانه بودن شروط قراردادی ایفا می‌کنند.



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
Eurasian Scientific Journal Index
www.ESJIndex.org



Academic Resource Index
ResearchBib



Academia.edu
share research





فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



منابع

۷. اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۷). حقوق تجارت (جلد اول). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۸. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (مواد ۱۰، ۱۹۰، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۶ و ۲۳۰).
- ۷ لاتین
۹. McKendrick, Ewan. (۲۰۲۳). Contract law: Text, cases and materials (۹th ed.). Oxford University Press
۱۰. Poole, Jill. (۲۰۲۰). Textbook on contract law (۱۴th ed.). Oxford University Press
۱۱. Stone, Richard., & Devenney, James. (۲۰۲۲). The modern law of contract (۱۳th ed.). Routledge
۱۲. Treitel, G. H., & Peel, Edwin. (۲۰۲۰). Treitel on the law of contract (۱۵th ed.). Sweet & Maxwell

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق (چاپ ۲۵). تهران: گنج دانش.
۲. ره‌پیک، محمد. (۱۳۹۴). شرح جامع قانون مدنی (تعهدات و قراردادهای). تهران: میزان.
۳. صفایی، حسین. (۱۳۹۷). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای و تعهدات (جلد دوم). تهران: نشر میزان.
۴. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). آثار قراردادهای و تعهدات. تهران: انتشارات مجد.
۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). نظریه عمومی تعهدات. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). قواعد عمومی قراردادهای (جلد چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.